

## درس دهم: چیستی انسان (۲)

**\*\* درس در یک نگاه \*\***

| چیستی انسان      |                        | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
|------------------|------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فیلسوفان مسلمان  | آنها نقش               | فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه‌های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند و آثاری از خود باقی گذاشتند که شایسته قدردانی است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|                  | دیدگاه کلی             | آنان معتقدند نمی‌توان انسان را به یک موجود صرفاً مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی‌هایی متعالی مانند آزادگی، کرامت انسانی... قائل شد. آنان همچنین با تعمق فکری، دینی را قبول کرده بودند که به روشنی از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و آن را هدیه ای الهی شمرده است. کتاب آسمانی انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمانها و زمین را خداوند برای او آفریده است. آنان یا خود عارف بودند یا عارفانی را می‌شناختند که با پاکی نفس به مرحله‌ای رسیده بودند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می‌کردند و می‌دانستند که چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست                                                                                                                                                                                                                                                   |
|                  | از جانب بالا           | ابن سینا                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|                  | دیدگاه سهروردی         | او نظراسطو درباره حقیقت انسان راپسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق‌تر بیان کندو ابعاد دیگر آن را روشن نماید.وی معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادرگذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندامهای بدنی شد، خداوندروح انسانی را به آن عطا می‌کند. این روح، که جنبه غیرمادی دارد و ازجنس موجودات مجرداست، استعدادکسب علم از طریق تفکررا دارد ومی‌تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی... را دریابدو آنها را درخود پدید آورد. او همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیاررفیع درنظام خلقت قائل‌شد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
| حقیقت نورانی نفس | دیدگاه سهروردی         | سهروردی با بهره‌مندی از الهامات معنوی خود بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می‌آورد و تلاش می‌کند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند. وی به جای مفهوم «وجود» بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می‌کرد. او معتقد بود که هستی، مراتب نور است. خداوند«نورالانوار» است. سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می‌کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند. نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم او، همان جنبه ظلمانی اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی بیشتر، مسیر کمال را طی کند. خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می‌کنند. آنجا که نور وجود به پایین‌ترین حد خود می‌رسد، مغرب عالم قرار گرفته است. وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می‌داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست. |
|                  | ملاصدرا (حکمت متعالیه) | حقیقت انسان، دو بُعدی است: روح و بدن. اما روح، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه تکامل خود بدن است. روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است. روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد انسان باید با اختیار خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند. البته او اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند. بنابراین در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو؟... همه اینها به صورت بالقوه دروجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی افراد مربوط است.                         |

۱. فیلسوفان مسلمان، در توضیح و تبیین حقیقت انسان چه نقشی داشتند؟ فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه‌های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند و آثاری از خود باقی گذاشتند که شایسته قدردانی است. فیلسوفان مسلمان تلاش می‌کنند که حقیقت متعالی انسان را بشناسند و جایگاه برتر او در هستی را نشان دهند.
۲. فیلسوفان مسلمان از چه طریقی، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند؟ با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه‌های دینی خود.
۳. نام چند فیلسوف مسلمان که در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند را ذکر کنید. فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، سهروردی، میرداماد، ملاصدرا، سبزواری

۴. به طور کلی دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان چیست؟ آنان معتقدند نمی‌توان انسان را به یک موجود صرفاً مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی‌هایی متعالی مانند آزادگی، کرامت انسانی،... قائل شد. آنان همچنین با تعمق فکری، دینی را قبول کرده بودند که به روشنی از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و آن را هدیه‌ای الهی شمرده است. کتاب آسمانی انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان‌ها و زمین را خداوند برای او آفریده است. آنان یا خود عارف بودند یا عارفانی را می‌شناختند که با پاکی نفس به مرحله‌ای رسیده بودند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می‌کردند و می‌دانستند که چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست.
۵. ابن سینا درباره حقیقت انسان، نظر کدام فیلسوف را می‌پذیرد و آن را عمیق‌تر بیان می‌کند؟ ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق‌تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید.
۶. به نظر ابن سینا خداوند چه زمانی روح انسانی را به بدن عطا می‌کند؟ ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند.
۷. به نظر ابن سینا روح انسانی از جنس کدام موجودات است و چه استعدادی دارد؟ روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. این روح می‌تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.
۸. ابن سینا چه جایگاهی برای روح قائل است؟ ابن سینا همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. او برای توصیف بی‌قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی‌اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد.
۹. شیخ شهاب الدین سهروردی که بود و از چه طریق حقایق را به دست می‌آورد؟ شیخ شهاب الدین سهروردی که یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام است و یک عارف و سالک الهی نیز محسوب می‌شود، با بهره‌مندی از الهامات و اشرفات معنوی خود بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می‌آورد و تلاش می‌کند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.
۱۰. توضیح دهید سهروردی به جای مفهوم «وجود» از چه مفهومی استفاده می‌کرد؟ وی به جای مفهوم «وجود» بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می‌کرد. او معتقد بود که هستی، مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، «نورالانوار» است. سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می‌کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.
۱۱. منظور سهروردی از «نورالانوار» چیست؟ چه ویژگی دارد؟ خداوند/ نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد.
۱۲. به عقیده سهروردی سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از کجا دریافت می‌کنند و چرا ترکیبی از نور و ظلمت اند؟ سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می‌کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.
۱۳. از نظر سهروردی، نفس چه زمانی می‌تواند مسیر کمال را طی کند (یا حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند)؟ اگر نفس نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.
۱۴. نظر سهروردی در مورد نفس انسان را بنویسید. او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم او، همان جنبه ظلمانی اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند. وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می‌داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.
۱۵. منظور سهروردی از مشرق و مغرب عالم چیست؟ او می‌گفت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می‌کنند. آنجا که نور وجود به پایین‌ترین حد خود می‌رسد، مغرب عالم قرار گرفته است.
۱۶. نام مکتب فلسفی ملاصدرا چیست؟ نظر ابن مکتب در مورد حقیقت انسان چیست؟ حکمت متعالیه / حقیقت انسان، دو بُعدی است: روح و بدن. اما روح، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خودجسم و بدن است. روح و بدن وحدتی حقیقی دارند. روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند.
۱۷. از نظر ملاصدرا رابطه روح و بدن چگونه است؟ روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنارهم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه‌ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است. بنابراین هراتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می‌شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می‌گذارد؛ به طور مثال، بدن بیمار، روح را هم بیمار می‌کند و بدن شاداب به روح هم شادابی می‌بخشد. همچنین روح با نشاط، جسم را به فعالیت می‌کشانند و روح افسرده، جسم را زمین‌گیر می‌کند.
۱۸. از نظر حکمت متعالیه ظرفیت روح انسان چه میزان است؟ از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات دست یابد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می‌گذرد و به انسان می‌رسد، ظرفیتی بی‌نهایت پیدا می‌کند و به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود.

۱۹. از نظر حکمت متعالیه آخرین درجه تکاملی که موجودات زنده می توانند به آن برسند چیست؟ روح انسانی

۲۰. آیا اینکه ملاصدرا می گوید انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، لزوماً به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات هست؟ خیر. اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند. البته او اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند.

۲۱. از نظر حکمت متعالیه آیا در ابتدای زندگی معلوم است هوانسانی چه هویتی دارد؟ در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو؟ بخشنده خواهد بود یا بخیل؟ عالم خواهد بود یا نادان؟ همه اینها به صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی افراد مربوط است.

۲۲. پیام شعر «از جمادی مُردم و نامی شدم / وز نما مُردم به حیوان برزدم...» چیست و به دیدگاه کدام مکتب نزدیک است؟ از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.

## سوالات جای خالی

۱. فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از ..... و ..... به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه های ..... خود، در توضیح حقیقت انسان قدمهای بلندی برداشتند. افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو - دینی
۲. بسیاری از فیلسوفان مسلمان دوره معاصر تأکید می کنند که نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً ..... و ..... تقلیل داد. زمینی و مادی
۳. فیلسوفان مسلمان به روشنی از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و آن را هدیه ای ..... و غیر ..... شمرده اند. الهی - زمینی
۴. ابن سینا نظر ..... درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند و ..... آن را روشن نماید. ارسطو - ابعاد دیگر
۵. ابن سینا معتقد است که وقتی انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام ها شد، خداوند ..... را به آن عطا می کند. روح انسانی
۶. به نظر ابن سینا روح، که جنبه ..... دارد و از جنس موجودات ..... است، استعداد کسب علم از طریق ..... را دارد. غیر مادی - مجرد - تفکر
۷. ابن سینا همچون ..... برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. عارفان
۸. سهروردی با بهره مندی از الهامات معنوی خود بسیاری از حقایق را از طریق ..... به دست می آورد و تلاش می کند آنها را به زبان ..... و ..... بیان کند.
۹. سهروردی به جای مفهوم «وجود» بیشتر از مفهوم «.....» استفاده می کرد. نور
۱۰. سهروردی معتقد بود که .....، مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، «.....» است. هستی - نورالانوار
۱۱. به عقیده سهروردی سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از ..... دریافت می کنند، اما چون نور ..... نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند. نورالانوار - کامل
۱۲. سهروردی عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه ..... وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ..... اوست. نورانی - ظلمانی
۱۳. به نظر سهروردی نفس، اگر ..... بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند. نورانیت
۱۴. سهروردی می گفت خدا یا همان نورالانوار، ..... عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند. مشرق
۱۵. سهروردی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به ..... می داند که از ..... دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست. مشرق عالم - مشرق وجود
۱۶. حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ..... است. ملاصدرا
۱۷. از دیدگاه مکتب متعالیه، حقیقت انسان، همان گونه که بسیاری دیگر از فیلسوفان گفته اند، حقیقتی دو بعدی است: ..... روح و بدن
۱۸. از دیدگاه مکتب متعالیه، روح، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه ..... و ..... خود جسم و بدن است. رشد و تکامل
۱۹. از نظر ملاصدرا، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها ..... دارند. وحدت
۲۰. از نظر حکمت متعالیه ..... آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. روح انسانی
۲۱. از نظر حکمت متعالیه، ظرفیت روح انسان پایان ندارد و می تواند به هر مرتبه ..... در جهان دست یابد. کمال
۲۲. از منظر مکتب متعالیه، اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به ..... نیست. کمالات